



تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۲/۱۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۵/۱۸

## بررسی تطبیقی آسمالیک‌های ترکمن و بافته‌های

### چیلکات آمریکای شمالی

علیرضا بهارلو\* صدیقه آقایی\*\* دکتر عباس اکبری\*\*\*

۴۵



#### چکیده

در مقاله پیش‌رو دو حوزه عمده تاریخی و فرهنگی در شرق (قبایل ترکمن) و غرب (بومیان غرب آمریکای شمالی) - با در نظر گرفتن یکی از تولیدات انحصاری آنها - مطالعه و پاره‌ای از وجوه اشتراک و افتراق آنها بررسی شده است. آنچه در این بررسی بیشتر مد نظر بوده، تأکید بر نوع خاصی از دست بافته‌ها به نام «آسمالیک» ترکمنی و «چیلکات» ساکنان مستقر در سواحل شمال غربی آمریکای شمالی بوده، ویژگی‌های کیفی و بصری آنان با تأمل در خصایص فرهنگی و پیش‌زمینه‌های تاریخی و قومی اقوام بافنده و همچنین آداب و رسوم شان تحلیل شده است تا به یاری این مقایسه‌ها، زمینه‌های تشابه و افتراق روشن شود. حاصل تطبیق و نتیجه بررسی‌ها، حاکی از وجود مواردی مشابه در ساختار کیفی و بصری این بافته‌ها از قبیل فرم هندسی، تزئینات، طبیعت‌گرایی، ساده‌سازی نقوش، کاربرد (مراسم) و پاره‌ای موارد دیگر است. از طرف دیگر، بُعد مسافتی و تفاوت‌های اقلیمی، طبقاتی و عقیدتی و نوع نگرش‌ها نیز زمینه‌ساز مغایرت‌هایی همچون شیوه آماده‌سازی کار، انتخاب مواد و مصالح، نوع پوشش، ابعاد و ...، در این دو حوزه شده است.

#### کلید واژه‌ها: ترکمن، آسمالیک، آمریکای شمالی، چیلکات

alireza\_Baharloo5917@yahoo.com

aghay.sedigheh@yahoo.com

abbas\_a\_uk@yahoo.com

\* دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشگاه کاشان.

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشگاه کاشان.

\*\*\* استادیار، دانشگاه کاشان.

## مقدمه

بافندگی، منسوجات و تولیدات دست باف در شرق و غرب، هر یک ویژگی ها و عناصر قابل توجه دارند. درست است که تعیین موقعیت مکانی و زمانی دقیق نخستین بافته های دست بشر به طور قطع امکان پذیر نیست، اما تقریباً تمامی اقوام و قبایل تاریخی در زندگی روزمره شان، پوشش هایی برای خود و مکان زندگی شان تهیه می کردند که بسته به شرایط اقلیمی و فرهنگی ایشان متفاوت و متغیر بوده است. در این میان، ترکمن های آسیا با توجه به فرهنگ، آداب و سنن خاص و همچنین ریشه های عمیق تاریخی خود از اقوامی محسوب می شوند که از زمان های دور بافته های قابل توجه تولید کرده اند که هر کدام بنا به شرایط خاص زندگی کوچ نشینی آنها کاربرد ویژه ای داشته و در پاره ای موارد فقط برای تزئین و زیبایی چادرها به کار رفته اند. از سوی دیگر، در مناطق دورافتاده تری مثل سواحل غربی آمریکای شمالی و حوزه های غربی ایالت های کانادا، اقوامی می زیسته اند که امروزه خاستگاه اولیه شان مورد تردید است. این مردمان نیز بنا به عقاید و باورهایشان و براساس نظام طبقاتی خاص خود برای رفع نیازهای اولیه شان در بافت و تولید منسوجات شیوه هایی گوناگون و البته متفاوت با نقاط دیگر به کار گرفته اند.

حاصل کار، خلق آثاری هنری و برآمده از این فرهنگ هاست که نمونه هایی از آنها در برخی وجوه، بی شباهت با یکدیگر نیستند. برای مثال، در میان اقوام و قبایل مختلف ترکمن، دست بافته ای به نام آسماایق<sup>۱</sup> یافت می شود که شباهت های بصری خاصی با نوعی از بافته های غربی به نام چیلکات<sup>۲</sup> دارد. اما آیا وجود این تشابهات سندی است بر وجود تأثیرات بالقوه و مشترک و امکان وحدت ریشه های قومی یا مسئله ای است صرفاً تصادفی و بدون پیش زمینه ای خاص؟ آنچه در ادامه بدان پرداخته می شود، در واقع بررسی بسترهای فرهنگی و عقیدتی این اقوام تاریخی و نمود این عوامل در آثار دست باف ایشان است. رویکرد این تحقیق در حوزه اقوام بیشتر جنبه تاریخی و قومیتی دارد ولی در خصوص بافته ها، جنبه صوری و ساختاری در نظر گرفته شده است. بدین منظور در ابتدا حوزه بافندگی شرق به همراه سایر مشخصات آنان و پس از آن، نواحی غربی (به شیوه اسنادی-تاریخی و تحلیل محتوا) مورد مطالعه قرار گرفته اند و در نهایت، برای تطبیق با یکدیگر سنجیده شده اند.



تصویر ۱. قلمرو ترکمنان و سایر قبایل ترک زبان

## اقوام ترکمن: مختصات جغرافیایی، قومی و فرهنگی

حوزه دریای خزر از جمله بخش هایی از کشورمان به شمار می رود که از گذشته به دلیل شرایط مساعد جغرافیایی مسکنی برای اقوام کوچ رو محسوب می شده است و آن طور که از اسناد و منابع برمی آید «حوزه شرقی سیر دریا (سیحون) از دیرباز خاستگاه اولیه قوم ترکان بوده است که وجود کتیبه های متعدد نظیر کتیبه اورخون<sup>۳</sup> در ینی سئی و کتیبه «کول تکین»<sup>۴</sup> از وجود ترکان در این نواحی خبر می دهند» (گلی، ۱۳۶۶: ۱۵). در این میان قبایل ترکمن - که اصولاً با بافته های پرزی و فرشینه هایشان شناخته می شوند - از اقوام کهن ساکن در نواحی و مناطق یاد شده اند که به دلیل داشتن فرهنگ و رسوم ویژه و استقرار بخشی از آنها در کشورمان اهمیت فراوانی دارند و تاکنون نیز تحقیقات و بررسی های گسترده ای در مورد آنها صورت گرفته است. «ترکمن ها قبیله هایی هستند که در شمال ایران، شمال افغانستان، شرق دریای خزر در ترکمنستان و ازبکستان زندگی می کنند» (مجبایی، ۱۳۸۸: ۳۴۳). ترکمن ها علاوه بر جغرافیای ذکر شده در نواحی شمالی ایران نیز مستقر هستند و خاستگاه و نژاد آنها ریشه در تاریخ دارد (تصویر ۱). «این مردم اگر چه اصالت خود را حفظ کرده اند، سنت های فراوانی را چه در جنگ های قبیله ای، چه در جنگ با همسایگان و چه تحت تأثیر فرهنگ های مسلط همسایگان از دست داده اند، به طوری که پیگیری تاریخ آنها کار آسانی نیست» (حصوری، ۱۳۷۱: ۷).

محققان در خصوص مبانی عقیدتی و مذهبی عشایر ترکمن نیز به نتایجی رسیده اند که نشان از گرایشات ایشان به توتهم پرستی<sup>۵</sup> و شمنیسم<sup>۶</sup> دارد و این دلیل دیگری است بر سنن و آداب خاص آنها. چنانچه منابع تاریخی نشان از این امر دارند که «تا قبل از گرایش ترکمن ها به اسلام، «انقون پرستی» (توتهمیسم) در میان ترکمن ها رواج داشته و هریک از شاخه های مختلف ترکمن انقون خاصی برای



بافته‌ها عبارت‌اند از «قالی، قالیچه، سجاده، گلیم، پلاس، زیلو، جاجیم، منگوله، جل، جوال، خورجین، توبره، روزینی، پاپیچ، تنگ اسب، کمر بند، افسار شتر، بند پرده، قاب دعا، رو گیوه‌ای، همیان، نمکدان و ...» (اعظمی‌راد، ۱۳۸۲: ۱۵۸)، که البته موارد و انواع دیگری با کاربردهای خاص را نیز می‌توان به این اقلام اضافه کرد.

بافته‌های ترکمن به لحاظ ساختاری و بصری، شاخصه‌های قابل توجهی دارند که با ذوق، سلیقه و مهارت‌های این اقوام عجین شده است. در میان ترکمن‌ها «تهیه هر نوع فرشینه را فقط زنان و دختران ترکمن عهده‌دار هستند و مردها از ترس این که مبادا مورد تمسخر واقع شوند از گام نهادن در این میدان هنری، صنعتی و اقتصادی دوری می‌کنند» (همان: ۱۵۹، ۱۶۰). نقش مایه‌ها و طرح‌ها در دست‌بافته‌ها، عموماً گوناگون و اصولاً مختص هر قبیله است، اما همین نقش و نگارها «به رغم تفاوت‌های محلی و قبیله‌ای، دارای سبک یگانه‌ای است، به طوری که این هماهنگی‌ها را می‌توانیم در نقش و نگارهای اقوام تکه<sup>۱</sup>، یموت<sup>۲</sup>، ارساری<sup>۳</sup> و ساریق<sup>۴</sup> ببینیم که بنابر شواهد تاریخی دارای پیدایش مشترکی هستند» (لوگاشوا، ۱۳۵۹: ۴۹، ۵۰).

در کنار مباحث عنوان‌شده، البته پاره‌ای مسائل و موارد دیگر نیز در خصوص منشاء و سرچشمه نقوش، اسامی نقوش، مواد و مصالح، رنگ‌های به کار رفته، فرهنگ و موقعیت قالی‌بافی و بسیاری موضوعات دیگر وجود دارد که هرکدام زمینه بررسی خود را می‌طلبند و نیازمند مطالعات مجزا هستند. بدین منظور، در ادامه یکی از دست‌بافته‌های منحصر به فرد ترکمن‌ها را بررسی می‌کنیم که با برخورداری از ویژگی‌های خاص صوری و ساختاری، بی‌شبهت به دست‌بافته‌های سایر اقوام و ملل دورافتاده نیست.

### آسمالیق ترکمنی

آسمالیق ترکمنی یکی از محصولات متفرقه قبایل مختلف ترکمن است که شکل ظاهری و کاربرد ویژه‌ای دارد. در برخی از منابع در تعریف این فرشینه گفته شده است که آسمالیق «جامه دانی است که با فرش می‌بافتند و می‌ساختند» (بداعی، ۱۳۷۱: ۲۹) که البته در کنار این، کاربری‌های دیگری را نیز می‌توان متصور شد. این بافته‌ها که در تقسیم‌بندی تولیدات داری ترکمن‌ها عموماً پس از قالی، قالیچه، گلیم و ... قرار می‌گیرند، اغلب «بافته‌هایی تزئینی محسوب می‌شوند که در مراسم و جشن‌های ویژه مثل

خود داشته‌اند» (کلته، ۱۳۷۵: ۳۹). توتم به طور کلی «واژه‌ای است از زبان سرخپوستان آمریکا دال بر قرابت محارم. توتم جانور یا گیاه یا بعضاً و ندرتاً شیئی است که اصل یا بنای یک گروه اجتماعی ابتدایی تصور می‌شود. از این رو توتم محور زندگی گروه به شمار می‌رود» (آزادگان، ۱۳۷۲: ۳۱). در میان منابع تاریخی، خواجه رشیدالدین فضل‌الله (۷۱۸ هجری) در جامع التواریخ رشیدی به این موضوع بیشتر پرداخته و اعتقادات، عادات، علائم و نشانه‌های مقدس قبایل مختلف ترک را به تفصیل بیان کرده است.<sup>۷</sup>

### ویژگی‌ها و انواع بافته‌های ترکمن

ترکمن‌ها که برای مدت‌ها ساکن دشت‌ها و مراتع خاوری دریای خزر بوده‌اند، در طول زمان بنا به اقتضای شرایط و نیازهای زندگی، دست به ساخت و تولید انواع صنایع مورد نیاز و بعضاً تزئینی زده‌اند که در این میان، بافته‌های پُرزدار نشان و جلوه فرهنگ و هنر آنها شده است. شاید مهم‌ترین و شاخص‌ترین این بافته‌ها همان قالی مشهور ترکمن باشد که با داشتن رنگ‌ها، طرح‌ها و نوع بافت منحصر خود به یکی از جالب‌توجه‌ترین دست‌بافته‌های عشایری در میان سایر اقوام مبدل شده است. در طول تاریخ، قالی‌بافی برای اقوام ترکمن معنا و جایگاه خاصی داشته است، چنان که گفته می‌شود «آنها قالی را نه براساس تفنن و تجمل بلکه براساس ضرورت می‌بافند. ولی شماری از این دست‌بافته‌ها به گونه‌ای ظریف از کار در می‌آیند و از دار جدا می‌شوند که اطلاق وسیله تجمل بر آنها چندان هم بی‌مورد به نظر نمی‌رسد» (نصیری، ۱۳۸۲: ۱۲۹).

اما آنچه اقوام اصیل ترکمن را در حوزه صنعتی و هنری ارزش و شأن بیشتری بخشیده است، تولید و بافت سایر منسوجات و ملزومات عشایری است که در طول زمان با زندگی و شیوه کوچ‌نشینی ایشان تطابق یافته است. این منسوجات در حقیقت بافته‌هایی برای تجهیز آلاچیق‌ها و لوازم کوچ هستند و بعضی از آنها نیز آثار تزئینی و مورد استفاده در مراسم خاص هستند که با استفاده و الهام از منابع طبیعی پیرامون و همراهی آن با ذوق و سلیقه قومی به وجود آمده و از نسل‌های گذشته خود را با تغییرات جزئی تا به امروز رسانده‌اند.

تاکنون بسیاری از محصولات بافندگی ترکمن شناسایی و بررسی شده‌اند و در مواردی نیز نویسندگان و محققان در دسته‌ها و گروه‌هایی با شاخصه‌های خاص آنها را دسته‌بندی کرده‌اند<sup>۸</sup>، اما به طور کلی و اجمالی، اهم این



تصویر ۳. آسمالیک هفت ضلعی یموت، سده ی ۱۹ م  
(همان: ۳۰۷)



تصویر ۲. آسمالیک ساریقی، ۱۳۵\*۸۴ سانتیمتر، سده ۱۹ م  
(همان: ۹-۳۰۸)

پنج ضلعی تهیه می شوند، اما نمونه های هفت ضلعی آن هم وجود دارد که در آن مثلثی کوچک روی یک سطح مستطیل شکل قرار گرفته است (تصویر ۳).

آسمالیک ها به طور کلی از پشم تهیه می شوند و بافندگان این اسباب تزئینی (نوعروسان) در ساخت این قطعه تمام سعی و دقت خود را مبدول می دارند تا چنین رویداد بزرگی (جشن عروسی) را هر چه زیباتر و به یادماندنی تر جلوه دهند. چنین بافته هایی با قرارگیری در دو طرف پهلوی حیوان معنای خاصی را در طرح و رنگ نیز القاء می کنند (تصاویر ۴ و ۵). برای نمونه «رنگ سفید که عموماً در مراسم نکاح کاربرد دارد، برای ترکمن ها نیز حائز اهمیت است و زمینه سفید توأم با نقاط قرمز رنگ برای بیشتر فرهنگ ها از جمله این قوم نشانه ای از باروری و حاصل خیزی در ازدواج محسوب می شود» (Opie, 1992:309).

با نظری در آسمالیک های ترکمن و همچنین سایر بافته های آنها می توان طرح ها و نقوش این اقوام را با خصایص ویژه شان دنبال کرد. ترکمن های دشت ها و مراتع وسیع حواشی و نواحی شرق دریای خزر، از گذشته با زندگی در دل طبیعت و مشاهده پیرامون خود، تصاویر متعددی را مشاهده کرده و در پی اجرای آنها (با شیوه خاص عشایر در ساده سازی) بر روی آثار دستی خود بوده اند. درخصوص دست بافته های ترکمن باید گفت که بیشتر نقوش تجریدی اند «به این معنا که بافنده ترکمن با توجه به اشیاء، خطوط هندسی، عوامل طبیعی موجود در محیط زندگی، خواسته ها، اعتقادات و باورهای خود طرحی نو درمی اندازد، آن سان که ترجمان حالات و احساسات درونی او باشد» (اعظمی راد، ۱۳۸۲: ۱۷۱). این نقش ها طیف وسیعی را شامل می شوند که اساس بیشتر آنها بر انتزاع و ساده سازی هندسی است. ضمن این که در پیاده سازی و بافت، زن بافنده ترکمنی اصولاً بدون نقشه قبلی و فقط

عروسی بر اسب یا شتر قرار می گیرند» (Bennett, 2004: 151) و گفته می شود که عشایر پس از اتمام مراسم، آنها را از روی حیوانات پایین می آورند و «به عنوان یادبود به چادر می آورند» (آزادی، ۱۳۸۴: ۱۳۵) یا در جشن های آینده از آنها استفاده می کنند (تصویر ۲).

«این آویزها در زیر دو عنوان آسمالیک جواهری<sup>۱۳</sup> و آسمالیک پرنده ای<sup>۱۴</sup> بیشتر شناخته شده اند» (Stone, 1997: 15).  
«آسمالیک ها همیشه به صورت جفت بافته می شوند و از قرار معلوم بافته دست خود عروس می باشند که برای همین منظور آن را تهیه می کند» (Mushak, 1988).  
بیشتر این آویزهای تزئینی از لحاظ فرم ظاهری در قالب



تصاویر ۴ و ۵. شتر جشن عروسی ترکمن به همراه کجاوه و آسمالیک روی پشت؛ آسمالیک یموت با طرح و نقش مشابه در تصویر بالا، حدود ۱۹۰۰ م، ۹۱\*۱۱۴ سانتیمتر و رنگ طبیعی

را دربر گرفته، از دوران ماقبل تاریخ، جایگاه استقرار قبایلی بوده است که امروزه فرهنگ و تمدن آنها را بدوی یا ساکنان اولیه یا «آمریندین‌ها»<sup>۱۶</sup> یاد می‌کنند (تصویر ۷ و ۸). «آمریندین‌ها واژه ای فراگیر و گسترده برای بومیان ساکن آمریکا تا قبل از ورود اورپاییان است که (براساس عقیدهٔ عموم) توسط کریستف کلمب، ایندین یا هندی نامیده می‌شدند، زیرا وی معتقد بود که در سفری دریایی به دور دنیا اولین مکانی که انسان با آن مواجه خواهد شد هندوستان است که ساکنان آن نیز متعاقباً هندی خوانده می‌شوند» (Allane, 1996:46).

امروزه، درخصوص چگونگی راه یافتن بومیان امریکا، به ویژه ساکنان شمالی آن به این قاره فرضیاتی ارائه شده است که مهم‌ترین آنها حاکی از ورود آمریندین‌ها از بخش‌هایی از سیبری و آسیای مرکزی و شرقی است (یعنی جایی که زمانی خاستگاه اقوام ترک و ترکمن کنونی که بدان‌ها اشاره شد، بوده است). براساس این نظر، «گمان می‌رود که انسان‌ها نخستین بار در آخرین عصر یخبندان که حدود بیست هزار سال پیش اتفاق افتاد، از طریق کمربندی از یخ که شمال سیبری را به آمریکای امروزی متصل می‌کرد به این خطه گام نهاده‌اند» (Forty, 1999:340) و در پی آن با سرازیر شدن به بخش‌های جنوبی قاره، تمدن‌ها و سکونت‌گاه‌های خود را بنا کرده‌اند که البته برخی چنین تصویری را دور از ذهن می‌پندارند. اما به هر حال این فرضیه تاکنون نسبت به سایر نظریات پشتوانه‌های مستحکم‌تری داشته و مقبول‌تر از سایرین قلمداد شده است. در جایی دیگر بیان شده که «ساکنان اولیهٔ آمریکا، مهاجرانی از آسیای شرقی<sup>۱۷</sup> بوده‌اند که در ابتدا از پلی یخی که زمانی سیبری و آلاسکا را به هم مرتبط می‌ساخته است و امروزه وجود ندارد، عبور کرده‌اند (۶۰ تا ۳۵



تصویر ۶. دبه دیزلیق بافته‌ای تزئینی جهت پوشش زانوی شتر (مأخذ: www.turkotek.com)

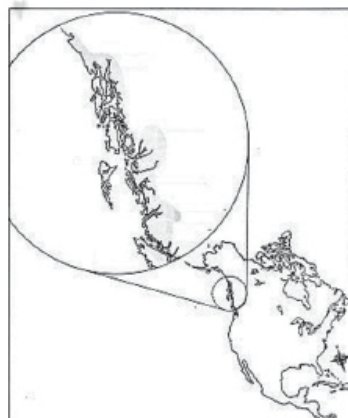
براساس یادآوری ذهنی عمل می‌کند که این خود ریشه در آموزش و یادگیری او از دوران کودکی و جوانی و رشد در چنین محیط‌هایی خاص دارد. دقت نظر و بررسی‌های بیشتر در این زمینه دستاوردهای دیگری هم به دنبال دارد و آن استفاده از طرح‌های آزادانه و متنوع فراوان در بستر آسمالیک‌ها نسبت به سایر دست‌بافته‌های آنهاست. در اینجا لازم به ذکر است که در میان آثار دست‌بافت ایل ترکمن و حتی مناطق دیگر متعلقات تزئینی مشابه هم یافت می‌شود که آسمالیک محسوب نمی‌شوند. مثلاً «دبه دیزلیق» (کوچک‌ترین بافتهٔ پنج ضلعی که برای پوشاندن جلوی زانوی شتر مورد استفاده بوده) (Azadi, 1975:50) اغلب همچون آسمالیک در جشن‌ها و مراسم ویژه همچون عروسی مورد استفاده قرار می‌گرفته و با شکل پنج ضلعی خود معمولاً دربردارندهٔ طرح‌های آسمالیکی هم بوده است که چنانچه اشاره شد، نمی‌تواند به لحاظ ابعاد کاربرد و سایر جزئیات با آسمالیک یکی دانسته شود (تصویر ۶).

### اقوام سواحل غربی آمریکای شمالی

نواحی غربی آمریکای شمالی به ویژه نواری که بخش‌هایی از آلاسکا و غرب ایالت بریتیش کلمبیا<sup>۱۸</sup> (کلمبیای بریتانیا)



تصویر ۸. (مأخذ: گاردنر، ۱۳۸۵: ۲۵۴)



تصویر ۷. امریکای شمالی و سواحل شمال غربی درشت‌نمایی شده (مأخذ: www.turkotek.com)

هزار سال پیش از میلاد) و پس از آن یا به صورت ساکنان قاره غیر مسکون درآمده‌اند و یا به نوعی جذب جمعیتی موجود در آنجا شدند که البته در مورد این جمعیت از پیش موجود، تقریباً هیچ چیزی در دست نیست. به هر حال با ذوب یخ‌ها و از بین رفتن پل ارتباطی، محتمل است که مهاجرت‌ها از طریق راه‌های آبی ادامه یافته که شاید برخی از ساکنان نخستین منطقه (به‌ویژه در شمال) در واقع همین مسافران دسته‌آخیر آبی باشند» (Allane, 1997:53).

### فرهنگ، هنر و ویژگی‌های قومی و قبیله‌ای

سکنه دشت‌های غرب و نوار ساحلی یادشده که از شمال به جنوب، به طور عمده شامل قبایلی چون تلینتینگ<sup>۱۸</sup>، چیلکات، تسیمشیان<sup>۱۹</sup>، هایدا<sup>۲۰</sup>، بلاکولا<sup>۲۱</sup>، کواکیوتل<sup>۲۲</sup>، نوتکا<sup>۲۳</sup> و سالیس<sup>۲۴</sup> هستند، به تدریج در طول زمان، فرهنگ و خصایصی یافتند که آنها را از دیگر اقوام مجزا می‌کرد. «آنها با استقرار در دشت‌های وسیع و جنگل‌های انبوه، به مرور تبدیل به شکارچیان قبیله‌ای شدند و با حرکت به سوی نواحی غربی و جنوبی‌تر، شیوه‌های کشاورزی را نیز تدریجاً آموختند و با زندگی در طبیعت و الهام گرفتن از آن، سبک‌ها و از طرفی نیز اسطوره‌هایی را پروراندند» (Forty, 1999: 340) و همچون سایر مردمان اولیه (از جمله ترکان آسیایی) شمنیسم و توتیمیزم را در رأس عقاید دینی و مذهبی خود قرار دادند.

آنچه امروزه محققان در بررسی‌های خود از این قبایل به دست آورده‌اند، گویای مسائل و نکات با اهمیتی است که در پاره‌ای موارد نشان دهنده عقاید، نظام و فرهنگ خاص و منسجم این بومیان است. «نظام اجتماعی آنها در واقع بر خاندان و عشیره بنیاد نهاده شده بود و اهمیت موضوع خانواده و تبار آن، چیزی بود که به اشکال مختلف مثل نشان‌های حیوانی در هنر و در سایر مراسم به چشم می‌خورد» (Wilson, 2001:93). هنر ایشان شامل انواع مختلفی همچون بافندگی، صنایع چوبی (مثل تیرهای توتم)، ساخت پیکره‌ها و سایر هنرهای ظریف می‌شد که در همه آنها چیزی فراتر از تزئین محض و آنچه امروزه می‌شناسیم مد نظر بوده است. چنان که برخی از محققان در مطالعات گسترده خود درباره این اقوام (و به طور کلی هنر بدوی) نوشته‌اند: «جهت‌گیری اصلی هنر در تمام این مناطق، چه اجتماعی باشد چه سیاسی و چه روحانی، متوجه بیان بنیادی ارزش‌های انسانی است» (گاردنر، ۱۳۸۵:۲۵۸).

به‌هرحال، نحوه بیان و شیوه بازنمایی‌های هنری این اقوام برآمده از نحوه خاص زندگی و اعتقادات قبیله‌ای آنهاست و در آئین‌ها و مراسم ویژه به همراه آثار و تولیدات متأثر از همین عقاید به وجود آمده است. بافته‌های گلیم مانند موسوم به چیلکات، در همین راستا و با اهدافی خاص بافته می‌شده که علاوه بر کاربردها و نشانه‌ها، به لحاظ بافندگی و سایر مختصات بصری از زیبایی و جلوه هنری نیز برخوردار بوده است، در ادامه به توضیح آن می‌پردازیم.

### بافته چیلکات

اسکیموها و سایر قبایل ساحلی شمال غربی، در راستای اعتقادات به نیروهای طبیعی و الهگان خود؛ اعیاد، جشن‌ها و مراسمی برپا می‌کردند که در آنها خود را با انواع پوشش‌ها و زیورآلات مختص آئین اجرا شده می‌پوشاندند و بدین طریق سعی در اجرای کامل و هرچه سنتی‌تر این مراسم می‌کردند. در این اعمال «افراد به وساطت لباس‌های نقاب دار، خود را موقتاً به قالب ارواحی - نیاکان، قهرمانان، موجودات اسطوره‌ای، جانوران و خدایان طبیعی - درمی‌آوردند که دخالتشان در امور آدمیان، الزاماً به ادامه حیات می‌انجامد» (همان تصویر ۹). این مراسم و رقص‌های آئینی به نوعی بیانگر جایگاه و مقام اجتماعی اشخاص به ویژه رئیس ایل یا بزرگ خاندان نیز بود که در آن، فرد والا مرتبه روپوشی بر روی شانه‌ها و پشت می‌انداخت که چیلکات نامیده می‌شد (تصویر ۱۰) که بنابر اقوال، از شناخته‌شده‌ترین سمبل‌های فرهنگی سواحل شمال غربی به شمار می‌رود (تصویر ۱۱). چیلکات‌ها اصولاً به دلیل ظاهر خاص خود و طرح‌ها و رنگ‌های منحصر به فردشان به سادگی قابل شناسایی هستند، اما شیوه بافت و تکنیک‌های پیاده‌سازی نقوش بر آنها موجب پی بردن به پیچیدگی این دست‌بافته‌های گلیم شکل می‌شود. «چیلکات نامی است که از قبیله‌ای به همین نام گرفته شده است که در کلوکوان<sup>۲۵</sup> آلاسکا بر روی ساحل رودخانه چیلکات واقع شده‌اند» (Shearar, 2000:28). بافته‌های چیلکات‌ها - همان‌طور که اشاره شد - عمدتاً لباس‌هایی آئینی و ویژه محسوب می‌شوند که اغلب در موقعیت‌های خاص استفاده می‌شوند اما به طور کلی «هنر بافندگی چیلکات می‌تواند به هر نوع پوشش و بافته دیگری از این دست مثل پتو، قبا، پوشش پا و زانو، جلیقه، کیف و حتی آویزهای دیواری نیز اطلاق گردد» (Blower, 1998:124). بیشتر نویسندگان بر کاربرد آئینی این پوشش تأکید ورزیده‌اند و گفته می‌شود که «رؤسای قبایل این بافته ضخیم را در طی

به نرمی جدا شده‌اند، با پشم بزکوه آمیخته و از میله ای افقی آویزان می‌شوند و در بافتشان پودهای پشمی جفت به صورت درهم تنیده به کار می‌رود. لازم به ذکر است که در بافت یک چیلکات کامل، حداقل پشم سه بز مورد نیاز است» (Harris, 1995: 265).

اما در مورد طرح‌های زمینه این گونه دست بافته‌ها باید به اصول و شیوه‌های بازنمایی قبایل یادشده توجه داشت. اسکیموها و به طور کلی سایر اقوام منطقه در یک شیوه از تصویر سازی های خود که به روش اشعه ایکس معروف است، شکل یا محیط جانور مورد نظر را ترسیم می‌کردند و اعضای بدن آن موجود را به تصویر می‌کشیدند (تصاویر ۱۲ و ۱۳). البته چنین روشی را نمی‌توان فقط محدود به قبایل سواحل غربی آمریکای شمالی دانست، چنانچه این تکنیک در «دوران نخستین نئولتیک در آناتولی هزاره ششم قبل از میلاد و همچنین در حکاکی های صخره ای عصر حجر اسکانندیناوی» نیز مشهود است (Wilson, 2001: 93).

در روشی دیگر که در میان بافته‌های عنوان شده بیشتر به کار می‌آید، شیوه مرسوم ساده سازی و استیلیزه کردن نقوش است که در بافته های چیلکات اغلب در هبیت عقاب، خرس و جانواران دریایی شیوه نگاری شده جلوه می‌کند. در اصل، این طرح‌ها باید حاکی از نشان و علامت اجدادی این اقوام باشند که تا به امروز ترکیب و ساختار خود را حفظ کرده‌اند. در این شیوه بازنمایی که به نحوی با نوع پیشین خود متفاوت است، علاوه بر ساده سازی نقش و تبدیل آن به یک سری اشکال هندسی، روشی تکمیلی نیز به کار گرفته شده و آن پراکنده ساختن اعضای تصویر به کار رفته در سطح اجرایی کار، آن هم به صورت قرینه است (به تصویر ۱۱ نگاه کنید).



تصویر ۱۲. نشان عقاب، قبیله هاید، سده ۱۹م؛ بازنمایی شده به شیوه اشعه ایکس (Wilson, 2001: 93)



تصویر ۹. رقصندگان صورتک دار، کواکیوتل. مؤسسه هنری شیکاگو (مأخذ: گاردنر، ۱۳۸۵: ۷۵۷)



تصویر ۱۰. چیلکات (مأخذ: www.ravenstail.com)



تصویر ۱۱. مراسم اسکیموها، آلاسکا، ۱۹۰۴م، مردان و بزرگان قبیله با پوشش های خاص خود (مأخذ: www.library.sitkatribe.org)

برگزاری جشن هایی موسوم به پُلِتاج<sup>۲۶</sup> به تن می‌کردند» (Dubin, 1999: 403).

در تهیه مواد و مصالح بافته های اسکیمویی چیلکات همواره از منابع طبیعی استفاده می‌شود که این منابع تا حدودی با مواد اولیه در بافندگی سایر اقوام و ملل متفاوت است. بدین صورت که در تهیه این بافته ها «تارها از پوسته داخلی نوعی درخت سرو مناطق سردسیر که



تصویر ۱۴. طراحی نقشه بافت بر روی تخته توسط مردان قبیله  
(مأخذ: www.turkotek.com)



تصویر ۱۳. نشان وال قاتل، سده بیست؛ بازنمایی شده به شیوه اشعه ایکس  
(مأخذ: همان)

۵. تمامی دواپر کامل کوچک، به جز آن ها که در میان پلک چشمان قرار گرفته اند، سفید هستند.

۶. اشکال S مانندی که در پایه برخی نقوش V شکل یافت می شوند، همواره سفیدرنگ اند.

۷. هر زمان که شکل V کوچک در میان سر یک ماء فزل آلائی طلایی قرار بگیرد، آبی رنگ می شود.

۸. دهان های نقوشی که به شکل سر هستند، همیشه آبی رنگ می شود.

۹. اشکال آبی رنگ هیچ گاه اشکال دیگری را که به رنگ آبی هستند، احاطه نمی کنند.

۱۰. به طور عمده نقوش آبی رنگ در کنار یکدیگر قرار نمی گیرند، حتی زمانی که با خطی سیاه از هم جدا شده باشند.

۱۱. کاسه چشم ها و اتصال آنها پیوسته زرد است. بنابراین عقیده برخی از محققان غرب شناس «رنگ های سیاه و زرد، از آنجا که رنگ طبیعی پشم رنگ نشده هستند، به عنوان طیف های غالب در بافندگی به حساب می آیند» (Shearar, 2000: 29)، رنگ آبی هم رنگ ثانویه شناخته می شود. به هر حال منسوجات بومیان منطقه، با بیان اعتبار اجتماعی افراد در مراسم خاص، نشان دهنده شاخصه ها و پشتوانه های تاریخی و فرهنگی هستند و همین امر باعث گرایش محققان و کاوش گران غرب و شرق برای مطالعه آثار آنان شده است. روی هم رفته بررسی این آثار در کنار سایر هنرهای این قوم مسئله چندان ساده ای نیست و نیاز به نفوذ در عمق عقاید و باورهای آنها دارد، آن چنان که «هنر ظریف، دقیق و پیشرفته ساحل شمال غربی در نظر بسیاری از منتقدان هنر یکی از بغرنج ترین دستاوردهای معنوی سرخپوستان آمریکایی است» (گاردنر، ۱۳۸۵: ۷۶۳).

نکته قابل توجه دیگر در این رابطه، نقشه بافت اثر است که در آن «طرح ها در ابتدا بر روی تخته ای چوبی به وسیله مردان کشیده می شدند و سپس توسط زنان ایل که بافندگان واقعی طرح بودند، رونگاری و پیاده سازی می شدند (تصویر ۱۴). این همکاری دوسویه میان مردان و زنان، در ادامه و در طول دوره طویل بافندگی نیز استمرار داشت» (گاردنر، ۱۳۸۵: ۷۶۳).

در یک تقسیم بندی عمده می توان ساختار و نوع تصاویر موجود در سطح چنین بافته هایی را با نظری در نمونه های باقی مانده تا به امروز (عمدتاً از سده ۱۹ میلادی) در دو گروه عنوان کرد: یکی نقوش تجریدی و دیگری طبیعت گرایانه (ناتورال) (تصویر ۱۵) که در هر دو مورد، بیشتر به صورت جلوه های هندسی نمود پیدا کرده اند. در خصوص ترکیب بندی ها نیز مواردی به صورت پراکنده و در نمونه هایی دیگر اشکال در سه بخش مرتبط با هم گسترده شده اند (تصویر ۱۶).

اما شاید آنچه در میان موضوعات و مسائل یادشده بیش از همه به چشم می آید، مسئله رنگ آمیزی بافته هاست که در بررسی های انجام شده روی بیشتر چیلکات ها نتایج مشابهی در پی داشته است. آن چنان که گویی می توان برای این حوزه (رنگ آمیزی) اصول و قوانین ثابتی تعیین کرد. این موارد به طور خلاصه در چند عنوان قابل بیان اند:

۱. تمامی خطوط اصلی اشکال و طرح ها سیاه هستند.
۲. مردمک چشم ها یا اشکال بیضی داخل نقوش همواره سیاه اند.
۳. صورت، ابروها، چشمان، بینی و لب های تصاویر پیوسته سیاه ولی دندان ها همیشه سفید هستند.
۴. اشکال منتج از نقوش دیگر همیشه سفید هستند.



بعضی از تشابهات را نوعی آرکی تایپ<sup>۲۷</sup> (کهن الگو) دانست. اما به طور کلی با توجه به آداب و رسوم خاص و شیوه زندگی عشایر و سایر قبایل بومی و همچنین مناسک و سمبل‌های ویژه آنها می‌توان پاره‌ای اشتراکات و حتی مغایرت‌هایی را در میان هنر و صنایع ایشان - که بستری برای ظهور تخیل و اندیشه است - مشاهده کرد. در ادامه، این وجه اشتراک و افتراق در حوزه بافندگی و در مورد چیلکات ها و آسمالیک ها به تفصیل بیان می‌شود.

### - پیش زمینه های بافندگی

در هر دو قلمرو ترکمنان آسیای مرکزی و شرقی، و بومیان غربی آمریکای شمالی بافندگی یکی از مظاهر فرهنگ و هنر و از پایدارترین سنن تاریخی و قبیله‌ای ایشان به شمار می‌رود و اصولاً ترکمن‌ها، به طور اخص، با دستبافته‌های کم نظیرشان خود را به فرهنگ جهانی شناسانده‌اند.

### - کاربرد

چیلکات‌های بومیان آمریکایی (که بعضی آنها را به نام پتوهای چیلکات می‌شناسند) بافته‌ای ضخیم، پوششی و محافظ به شمار می‌روند که در برابر سرمای سخت مناطق غربی به ویژه آلاسکا شخص را از سرما در امان نگه می‌دارند، اما در عین حال کاربردی فراتر از این دارند و آن استفاده آنها در مراسم و جشن‌های ویژه است. بدین ترتیب می‌توان برای چیلکات‌ها و آسمالیک‌ها کاربرد و ارزش مشابه متصور شد (جشن پُل‌تاج و جشن عروسی).

### - شکل ظاهری و ابعاد

چیلکات‌های اسکیمویی و بافته‌های آسمالیک هر دو به لحاظ شکل ظاهری در قالب پنج ضلعی هستند. در یکی رأس به سمت بالاست (که ممکن است برگرفته از پدیده‌های طبیعی اطراف محل زندگی مثل کوه یا تپه باشد) و در دیگری رو به پایین است (که شاید به دلیل نوع کاربرد آن روی بدن انسان باشد) و معمولاً در تزئین آنها از منگوله و نوارهای آویزان استفاده می‌شود (تصویر ۱۷). البته، همان‌طور که اشاره شد آسمالیک هفت ضلعی هم وجود دارد، از طرفی در بعضی موارد چیلکات چهار ضلعی نیز مشاهده شده است (به خصوص چیلکات‌های اولیه) (تصویر ۱۸). اما در هر صورت، انواع پنج‌ضلعی آنها شایع‌تر است. ابعاد بافته‌های چیلکات بنا بر نوع استفاده انسانی شان متناسب با بدن ساخته می‌شوند؛ در حالی که آسمالیک‌ها که در دو طرف شتر آویزان می‌شوند، طبیعتاً اندازه بزرگ‌تری دارند.



تصویر ۱۵. چیلکات با نقش وال قاتل، متفاوت با انواع دیگر بازنمایی روی موارد مشابه این بافته (مأخذ: [www.turkote.com](http://www.turkote.com))



تصویر ۱۶. چیلکات در اشکال سه بخشی (مأخذ: Harris, 1995: 265)

### بررسی تطبیقی

در اولین نگاه به آسمالیک‌های ترکمن و چیلکات‌های سرخپوستان آنچه جلب توجه می‌کند ویژگی‌ها و تشابهاتی است که میان برخی از عناصر این دو بافته قومی و قبیله‌ای به چشم می‌آید. البته با توجه به بُعد مکانی قابل ملاحظه‌ای که میان این دو قوم تاریخی وجود دارد، شاید در نظر گرفتن هرگونه تأثیرگذاری یا پذیرش فکری و فرهنگی به طور کلی مردود یا لاقابل تردید باشد اما آن‌طور که از مطالعه عقاید نظریه پردازان و انسان‌شناسان برمی‌آید، بومیان اولیه مناطق شمالی قاره آمریکا (آمریندین‌ها) اقوامی بودند که (براساس یکی از فرضیات ارائه شده) از طریق پل‌های یخی عظیم ارتباطی و شمال سیبری از آسیا به سمت مناطق فعلی راه یافته‌اند. البته این موضوع با توجه به ریشه‌ها و خاستگاه اولیه این دو حوزه و همچنین با در نظر گرفتن اعتقادات دینی اولیه آنها (شمسیسم و توتیم پرستی) ملاحظات گسترده‌ای را می‌طلبد و خود جای تأمل بیشتری دارد. با این همه، شاید بتوان با توجه به چنین فرضیه‌ای وجود



تصویر ۱۸. چیلکات چهارضلعی، از نمونه های اولیه بافته های چیلکات (مأخذ: همان)



تصویر ۱۷. آسمالیک و چیلکات با تزئین های آویزی (مأخذ: همان)



تصویر ۲۰. دار بافندگی چیلکات (مأخذ: [www.gutenberg.org](http://www.gutenberg.org))



تصویر ۱۹. آسمالیک جواهری با طرح جواهرات زنانه در قسمت بالای بافته (مأخذ: [www.metropolitancarpets.com](http://www.metropolitancarpets.com))

### - بافت و مصالح

یکی از مواردی که آسمالیک های شرقی را از بافته های نوع دیگر (چیلکات) متمایز می کند، شیوه بافت و نوع دار این محصولات است. در میان اقوام ترکمن به طور عمده از دار افقی استفاده می شود و برای برخی بافته ها و در برخی مناطق، دار عمودی نیز به کار برده می شود و بافندگان (زنان جوان) طرح و نقشه را که اغلب ذهنی است، به شیوه مرسوم از پایین دار شروع می کنند و طی مدت زمانی معین و در قالب گروه های چند نفره به اتمام می رسانند. برای بافت چنین تولیداتی، معمولاً از تار و پود پشمی و پرز استفاده می شود. اما شیوه بافت چیلکات و مواد اولیه آن قدری متفاوت است. در دارهای ساکنان سواحل غربی، انتهای دار آزاد است و تارها به حالتی آویزان از تیری در بالای دار آویخته می شوند و در پایین کار، در داخل کیسه هایی که اغلب از امعا و احشای حیوانات به دست آمده اند، جمع می شوند (تصویر ۲۰). در حین بافت به دلیل نوع و ساختار

### - طرح، نقش و رنگ

طرح و نقش در بافته های آسمالیک و چیلکات، هردو الهام گرفته از طبیعت و محیط پیرامون است و نقش مایه ها عموماً انتزاعی یا ساده شده اند. در بعضی از آسمالیک ها نقوش حیوانات یا به ندرت انسان هم دیده می شود و در نوع خاصی از این بافته (آسمالیک جواهری) از تصاویر جواهرات و زیورآلات زنان استفاده می شود (تصویر ۱۹). نقوش آسمالیک ها معمولاً قرمز و قهوه ای هستند و اغلب در زمینه ای سفید رنگ بافته می شوند و در خصوص چیلکات ها طیف رنگی به سمت سیاه، سفید، زرد و آبی متمایل می شود. نکته قابل توجه دیگر در خصوص طرح این است که انتزاع در چیلکات ها، شکل اصلی و اولیه را آن چنان به هم نریخته است و اجزاء و عناصر تاحدودی قابل تشخیص هستند. البته در بعضی آسمالیک ها نقش های گیاهی هم به چشم می آیند که این موضوع در بافته های مورد نظر غرب، نادرتر است.



رواج داشته است. غربی‌ها در سفرهای خود به شرق، از آثار هنری به ویژه دست بافته‌ها بسیار استقبال می‌کردند و بعضی از مراکز بافندگی شرق، نقش فروشندگان قالیچه و گلیم و ... به غرب را ایفا می‌کردند. چنان که فرش‌های ترکی آناتولی، بافته‌های ایرانی و آثار ترکمنی از تولیدات فرهنگی و هنری پرترفدار در میان اروپاییان بوده است. اما یک چنین فرهنگی در میان اقوام بومی ساکن در قبایلی مانند آنچه در این متن ذکر شد، به گونه‌ای دیگر صورت می‌پذیرفته است.

نظام خاص طبقاتی و آباء و اجدادی این بومیان نمونه‌هایی از این دست را در برابر آنچه در شرق وجود داشته، تجربه کرده و در برخی شرایط و در میان گروهی از قبایل (مثل ناواجووها<sup>۲۸</sup> که در نزدیکی چیلکات‌ها به سر می‌برند) فروش و درآمدزایی نیز وجود داشته است. آنچه در این مقاله بیان شد، در یک جمع بندی به صورت خلاصه و برای درک بهتر در قالب جدول زیر تدوین شده است.

پوشش‌های چیلکات از پرز استفاده نمی‌شود و پودها با گره‌زنی خاص در میان تارها قرار می‌گیرند. همان طور که پیش‌تر گفته شد، بافندگان برای تهیه مواد اولیه، پوسته خارجی نوعی درخت سرو و پشم بز کوهی را (که توسط شکارچیان کشته شده است) به کار می‌گیرند.

بدین ترتیب، آسمالیک‌های ترکمنی با رنگ و طرح خاص خود، به دلیل استفاده از پرز، نوعی قالیچه نیز محسوب می‌شوند؛ حال آن‌که چیلکات‌ها گلیم باف هستند و فرهنگ بافت آنها مانند ترکمن‌ها، در دسته و گروه نیست.

### - اقتصاد و فروش

یکی دیگر از مسائلی که در این تطبیق باید مد نظر قرار گیرد، جنبه اقتصادی و درآمدزایی اقوام عشایر و دسته‌هایی از این قبایل است. چراکه عشایر در مواردی نیز اقدام به فروش محصولات خود می‌کنند. این قضیه از گذشته‌های دور و با شکل‌گیری ارتباطات اروپاییان با سرزمین‌های شرقی

جدول مقایسه تطبیقی بافته‌ها

ویژگی‌های بافته	آسمالیک	چیلکات
۱. مکان و حوزه بافت	ترکمن‌های شرق دریای خزر و نواحی ایران و افغانستان	آلاسکا و نواحی ساحلی غرب کانادا (کلمبیای بریتانیا)
۲. اقوام بافنده	ترکمن	سرخپوستان سواحل شمال غربی آمریکای شمالی
۳. دین اولیه	شمنیسم و توتمیسم	شمنیسم و توتمیسم
۴. دین فعلی	اسلام	آئین‌های کهن و سایر مذاهب
۵. کاربرد	روی شتر، اسب یا تخت روان در جشن عروسی	اغلب روی دوش افراد مرفه و رؤسای قبایل، یا سایر اعضا <sup>۲۹</sup> در مراسم پلنچ
۶. شکل ظاهری	معمولاً پنج‌ضلعی (در مواردی هم هفت‌ضلعی)	معمولاً پنج‌ضلعی (در مواردی هم چهارضلعی)
۷. نوع نقوش	بیشتر طبیعی و انتزاعی	استلیزه و هندسی
۸. موضوع نقوش	حیوانی، گیاهی	اغلب حیوانی
۹. رنگ‌های عمده	قرمز و قهوه‌ای اغلب در زمینه سفید	سیاه، سفید، زرد، آبی
۱۰. بافندگان	دختران و زنان جوان	زنان ایل
۱۱. نقشه بافت	بیشتر ذهنی	براساس طراحی مردان روی تخته چوبی
۱۲. نوع بافته	پرزدار	گلیم‌باف
۱۳. اندازه	در حد پوشش کوهان تا زیرشکم شتر	پشت انسان تا بالای زانوها
۱۴. نوع دار	بیشتر افقی و در بعضی موارد عمودی	عمودی آزاد (بدون تیرک پایین)
۱۵. مواد و مصالح	پشم گوسفند	پوسته نوعی درخت سرو سردسیر، پشم بز وحشی
۱۶. فروش	دارد	در مواردی دارد

## نتیجه گیری

مطالعات تطبیقی به ویژه در حوزه هنر از جمله شیوه‌هایی است که در درک و شناخت بهتر حوزه های فرهنگی تمدن ها، ملل مختلف، اقوام و هر نوع اجتماع یا گروهی (با داشتن شاخصه های خاص تطبیقی) می تواند مؤثر و راهگشا باشد.

براساس بررسی‌هایی که در این مقاله در باب بررسی اقوام ساکن در آسیای مرکزی و حوزه شرقی دریای خزر (ترکمن ها) و قبایل مقیم سواحل غربی آمریکای شمالی (اسکیموها و سایر قبایل جنوبی) صورت پذیرفت، پاره ای موارد و نتایج حاصل شد که تاحدودی نشان از برخی ویژگی‌های فرهنگی و عقیدتی مشترک و تأثیر متقابل آن در حوزه هنر به ویژه بافندگی و جنبه های صوری آن بود.

البته آنچه در این بررسی بیشتر مد نظر قرار داشت، مطالعه تطبیقی- تصویری بافته‌هایی موسوم به آسمالیک (ترکمنی) و چیلکات (اسکیمویی) بود که مواردی مثل طرح و نقش، ابعاد هندسی، رنگ آمیزی، نوع خاص بافته، کاربرد و سایر عناصر تجسمی را شامل می‌شد و بررسی های ریشه‌ای و خاستگاه و چگونگی تأثیرات متقابل احتمالی در رده های بعدی قرار می‌گرفت که خود مطالعات حوزه های فکری و علمی بیشتری را می‌طلبد.

در این میان هر دو بافته با الهام از طبیعت و مبانی ساده سازی و شیوه نگاری نقوش، شکل ظاهری و تزئینات، کاربرد خاص در مراسم و ... تشابهات و وجوه اشتراکی متعددی با هم دارند. از طرفی با در نظر گرفتن نوع مواد اولیه، طرز تهیه آنها، رنگ آمیزی نقوش، خصوصیات ساختاری و در کل نظام خاص طبقاتی هر دو قوم، تمایزاتی نیز باهم دارند که البته ناشی از بُعد مسافت و تفاوت در برخی اصول و نگرش‌های خاص آن اقوام است. با این همه، تشابهات خاص نشان می‌دهد که حتی اگر نتوان خاستگاه یکسانی برای آنها قائل شد، نمی‌توان منکر ارتباط آنها با هم شد. سرانجام شاید بتوان تشابهات موجود را نوعی «کهن الگو» نامید و تفاوت ها را نتیجه شیوه‌های متفاوت زندگی در مناطق جغرافیایی متفاوت دانست.

## پی نوشت

1 - Asmalyk

2 - Chilkat

۳- قدیمی‌ترین اثر تاریخی باقی مانده به زبان ترکی. این کتیبه که از قرن هشتم میلادی باقی مانده، در نیمه دوم قرن نوزدهم پیدا شده و راز و رمز زبان و خط آن کشف و خوانده شده است. این اثر به مردمانی تعلق دارد که برای اولین بار در تاریخ خود را «ترک» (Turk) نامیده اند. این قوم در قرن ششم در عرصه تاریخ ظاهر شدند و در مدت زمانی کوتاه بر تمامی اقوام ساکن سراسر دشت‌های (استپ‌ها) میان مرزهای چین، ایران و امپراطوری بیزانس مسلط می‌شود (برای اطلاعات بیشتر رک: تاریخ ترک‌های آسیای میانه، نوشته واسیلی ولادیمیر، ترجمه دکتر غفار حسینی).

۴- کتیبه کول تگین، از مجموعه کتیبه‌های اورخون.

5 - Totemism

6 - Shamanism

۷- رک: پایان نامه کارشناسی ارشد ارتباط تصویری؛ با عنوان «ریشه یابی عناصر تصویری در صنایع دستی استان گلستان»، زهره بیان غراوی، تابستان ۱۳۸۷.

۸- برای اطلاع بیشتر از این دسته بندی رک: (اعظمی راد، ۱۳۸۲: ۱۶۸-۱۵۹).

9 - Tekke

10- Yomut

11- Ersari



- 12 - Saryk
- 13 - Jewelry asmalyk
- 14 - Birds asmalyk
- 15 - British Columbia
- 16 - Amerindians
- 17 - Mongoloid
- 18 - Tlingit
- 19 - Tsimshian
- 20 - Haida
- 21 - Bella Coola
- 22 - Kwakiutl
- 23 - Nootka
- 24 - Salish
- 25 - Klukwan
- 26 - Poltatch

مراسمی آئینی و مختص ساکنان سواحل غربی امریکای شمالی؛ هدف اصلی از برگزاری این جشن، توزیع و تقابل ثروت است

27 - Archetype

28 - Navajo

این موضوع در میان این اقوام و در دوره‌هایی موسوم به (Bosque Redondo (1860-75) و (Eye-Dazzler (1875- 90) بیشتر به چشم می آید. برای اطلاعات بیشتر رک: مجابی، ۱۳۸۸: ۴۸۱-۴۸۲.

۲۹- پتوهای رؤسای قبایل در امریکای شمالی با نام Chief Blanket شناخته می شود که البته این نام و مفهوم لغوی آن با انحصار آن برای فردی خاص متنافر است و ممکن است در اختیار هرکسی قرار گیرد. رک: همان: ۴۸۵.

## منابع

- آزادگان، جمشید. (۱۳۷۲). تحقیق در توتمیسم. تهران: مؤسسه مطالعات و انتشارات تاریخی میراث ملل.
- آزادی، سیاوش. (۱۳۸۴). تاریخ و هنر فرش بافی در ایران /براساس دایره المعارف ایرانیکا. زیر نظر احسان یارشاطر. ترجمه رلعلی خمسه. تهران: نشر نیلوفر.
- اعظمی راد، گنبد دُردی. (۱۳۸۲). نگاهی به فرهنگ مادی و معنوی ترکمن ها. مؤلف. مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسی.
- بداعی، ذبیح ا... (۱۳۷۱). نیازجان و فرش ترکمن. تهران: نشر فرهنگان.
- حصوری، علی. (۱۳۷۱). نقش قالی ترکمن و اقوام همسایه. تهران: نشر فرهنگان.
- کلتی، ابراهیم. (۱۳۷۵). مقدمه ای بر شناخت ایلات و عشایر ترکمن. گنبد قابوس: نشر حاجی طلائی.
- گاردنر، هلن. (۱۳۸۵). هنر در گذر زمان. ترجمه محمدتقی فرامرزی. تهران: نشر نگاه.
- گلی، امین الله. (۱۳۶۶). تاریخ سیاسی و اجتماعی ترکمن ها. تهران: نشر علم.
- لوگوشوا، بی بی رابعه. (۱۳۵۹). ترکمن های ایران (پژوهش تاریخی- مردم شناسی). مترجمان سیروس ایزدی، حسین تحویلی. نشر تهران: شباهنگ.
- مجابی، علی. (۱۳۸۸). پیش درآمدی بر تاریخ فرش جهان. نجف آباد: نشر دانشگاه آزاد اسلامی.
- نصیری، محمدجواد. (۱۳۸۲). فرش ایران. تهران: نشر پرنگ.

- Allane, Lee. (1996). *Tribal Rugs*. London:Thames and Hudson.
- Azadi, Siawosch. (1975). *Turkmen Carpets and the Ethnographic Significance of their Ornaments*. London: The Grasby Press.
- Bennett, Ian. (2004). *Rugs and Carpets of the World*. London:Greenwich Editions.
- Brown, Steven C. (1998). *Native Visions: Evolution in Northwest Coast Art from the Eighteenth through the Twentieth Century*. Seattle: University of Washington Press.
- Dubin, Lois Sherr. (1999). *North American Indian Jewelry and Adornment: From Prehistory to the Present*. New York: Harry N. Abrams.
- Forty, Jo. (1999). *Mythology: A Visual Encyclopedia*. London:PRC Publishing.
- Harris, Jennifer. (1995). *5000 Years of Textiles*. London:British Museum Press.
- Mushak, Paul. (1988). A Rare Jewelry Asmalyk: Stylistic and Technical Analysis. *Oriental rug review*. Vol. 8/2.
- Opie, James. (1992). *Tribal Rugs*. London: Laurence King.
- Shearer, Cheryl. (2000). *Understanding Northwest Coast Art*. Vancouver:Douglas & McIntyre.
- Stone, Peter. F. (1997). *The Oriental Rug Lexicon*. London:Thames and Hudson.
- Wilson, Eva. (2001). *8000 years of Ornament*. London: The British Museum Press.

